

گلشن

روزنامه

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

سه شنبه ۱۰ مهرماه ۱۴۰۳ / سال بیست و ششم / شماره ۲۸۴۷ / صفحه ۸ / ۲۵۰۰ تومان

انجمن زنان پژوهشگر تاریخ و انجمن ایرانی تاریخ برگزار می کنند:

پیش همایش
زن در تاریخ محلی ایران بینه شمال،
ایالت تاریخی گرگان (استرآباد)
و دشت گرگان

Pre-conference
 Women in the local history of Iran
 in the northern region
**Historical State
 of GORGAN (Estarabad)
 and Gorgan Plain**

چهارشنبه ۱۱ مهرماه ۱۴۰۳ / ۲۰ ساعت / ۲۰۰۰ تومان / ۱۴۰۳ / ۲۰ ساعت / ۲۰۰۰ تومان

موسسه فرهنگی میراداد، گرگان، بلوار مفتاح، تالار اندیشه

ذرت محصولی که
جای شالی را می گیرد ۲

دستگیری عامل چاقو کشی
حین قدرت نمایی در آق قلا ۲

دوگانه
شغل و فرزند ۳

شیدر برسیم راهکار موثر
برای تقویت خاک ۶

افزایش ۱۵ درصدی حیوان
گزیدگی در گلستان ۷

باتکلیف نوشتن
بچه ها چه کنیم؟ ۸

یادداشت اول

احوال این روزها

■ بامسؤولیت سردبیر

زندگی برای ما ایرانیان روی دور تند افتاده است. اگر کسی سه چهار ماه پیش به خواب رفته باشد و اکنون از خواب بیدار شود این همه جابجایی و اتفاق را باور نخواهد کرد. سقوط بالگرد رییس جمهور و از دست رفتن وزیر امور خارجه و استاندار و ... انتخابات کم رقم ریاست جمهوری و مناظرات آن و در نهایت پیروزی دکتر پزشکیان، ترور شهید هنیه رییس دفتر حماس در تهران و ادامه جنگ غزه، از دست رفتن بیش از چهل معدن چینی و اندوه ملی در فقدان آنها و اینک شهادت سید حسن نصراله رهبر مقاومت لبنان و احساسات متناقض ایرانیان که در شبکه های اجتماعی بروز و ظهور می یابد. اتفاقات عجیب و شتابزده و گاه آخر الزمانی است که این چند وقت افتاده است و نشانگر آن است که جامعه امروز ایران در خروارها خبر ناگهانی و عموماً تلخ گرفتار شده است. ما به خوبی می دانیم یک جامعه برای ارتقا و پیشرفت نیازمند امیدواری است و انبوه اتفاقات تلخ که به هر دلیل واقع می شود، می تواند تاثیر بسیار ناگواری بر رشد جامعه بگذارد. توالی اتفاقات چند ماه گذشته جدای از نگاه سیاسی و ایدئولوژیک باید به منزله هشدار جدی برای مسوولان فرهنگی و اجتماعی تلقی شود تا آنها با آمادگی بیشتر، خود را برای مقابله با حجم خسارت های روانی چنین اتفاقاتی به روز نمایند. باور به وجود آسیب های روانی در پس هر اتفاق تلخ، گام اول است و بهره بردن از روانشناسان و استفاده از تکنیک های مختلف برای کاهش فشارهای روانی یک ضرورت انکار ناپذیر است. امروزه مدیریت افکار عمومی به همراه درک دقیق از آسیب ها و مشکلات اجتماعی می تواند هر تهدیدی را به فرصتی برای زندگی بدل نماید و الا باید هر روز منتظر اتفاقات عجیب و غریب غیر منظره در لایه های مختلف شهروندان بود. عصبانیت، افسردگی، کلافه گی، گسترش مجادلات خانوادگی و ... بعلاوه فشارهای اقتصادی جایی برای زندگی آرام و سالم نمی گذارد به این خاطر باید با هر اتفاقی هوشمندانه برخورد کرد تا هزینه های آن قابل مدیریت باشد.

چنارهای گرگان

راثبت ملی کنید

محمد اسماعیل اسدی
 عیسی سپهری

(چنار) با نام علمی *Platanus* سرده ای از درختان بومی نیمکره شمالی است. درخت چنار درختی بزرگ و زیبا با برگ های پنج پر است. از تنه ای این درخت در صنایع چوب و تولید ذغال استفاده می شود و برگ درخت چنار در تولید کود و تولید کمپوست اهمیت بسزایی دارد. گلدهی چنار در فصل بهار انجام می شود و سپس میوه ها که به شکل کوزه های کوچک سبز رنگ هستند به شکل فنلق های خشک و مرکب در آمده و می رسند. درخت چنار معمولاً در کنار نهرها و جویبارها و اراضی مرطوب می روید و در درخشندگی آب های جاری به زیبایی خیره کننده خودنمایی می کند. درختان چنار بلند قامت و با برگ های پهن بوده و ارتفاع آنها به ۳۰ تا ۵۰ متر می رسد، در پاییز برگ های آنها می ریزد هر چند نسبت به خشکسالی مقاومت دارد. چنار از دیرباز مورد احترام و توجه ایرانیان بوده است. ایرانیان در گذشته چنار را نماد برکت و رونق می دانستند از همین رو در برخی مناطق چنار درخت مراد نامیده می شد و چنارهای کهنسال برای مردم مقدس شمرده می شد. تقدس چنارهای کهنسال در ایران به حدی بود که ایرانیان به شاخه های درختان کهنسال آسیب وارد نمی کردند، این درختان را برآورنده حاجات نیازمندان می دانستند و بناهای مقدسشان مانند مساجد و معابد را در کنار این درختان بنا می کردند. چنار از درختان عظیم با طول عمر زیاد در ایران است که به جهت داشتن خصوصیات اعجاب انگیز خود به یک نماد و درخت مقدس در بین مردمان ایران باستان تبدیل شده است. چنار به قدری افزاشته و بلند و با طول عمری بلند است که در بین دهقانان ایران، شاه درختان لقب گرفته است. عظمت چنار دلیلی بر تقدس این درخت افزاشته نیست. بلکه چنار هر ساله پوست می اندازد و شاخه های تنومندش به رنگ سبز روشن در می آید. این تازه و جوان شدن هر ساله قداست خاصی به آن بخشیده است. از آنجایی که جوانی یکی از شرایط باروری است، در نتیجه در ایران قدیم چنار نمادی از غنا، باروری، زندگی دوباره، سرسبزی طبیعت و مظهری از برکت و نعمت بخشیدن ابدی خدایان و ارواح شمرده می شد.

چنار درخت مراد نامیده می شد و چنارهای کهنسال برای مردم مقدس شمرده می شد. تقدس چنارهای کهنسال در ایران به حدی بود که ایرانیان به شاخه های درختان کهنسال آسیب وارد نمی کردند، این درختان را برآورنده حاجات نیازمندان می دانستند و بناهای مقدسشان مانند مساجد و معابد را در کنار این درختان بنا می کردند. چنار از درختان عظیم با طول عمر زیاد در ایران است که به جهت داشتن خصوصیات اعجاب انگیز خود به یک نماد و درخت مقدس در بین مردمان ایران باستان تبدیل شده است. چنار به قدری افزاشته و بلند و با طول عمری بلند است که در بین دهقانان ایران، شاه درختان لقب گرفته است. عظمت چنار دلیلی بر تقدس این درخت افزاشته نیست. بلکه چنار هر ساله پوست می اندازد و شاخه های تنومندش به رنگ سبز روشن در می آید. این تازه و جوان شدن هر ساله قداست خاصی به آن بخشیده است. از آنجایی که جوانی یکی از شرایط باروری است، در نتیجه در ایران قدیم چنار نمادی از غنا، باروری، زندگی دوباره، سرسبزی طبیعت و مظهری از برکت و نعمت بخشیدن ابدی خدایان و ارواح شمرده می شد.

چنار (فرخی).

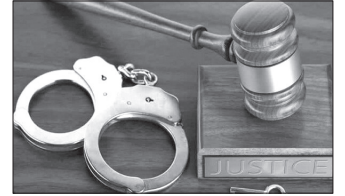
درختان چنار گرگان که سالیان طولانی زمان برد تا به نماد تنومند مسیرهای ورودی غربی گرگان از سمت شهرستان کردکوی و شرقی گرگان از سمت شهرستان علی آباد، تبدیل شوند این روزها برای احداث دوربرگردان در غرب گرگان در ورودی روستای نودیجه در معرض قطع قرار گرفته اند، موضوعی که با واکنش منفی فعالان اجتماعی و دوست داران محیط زیست رو به رو شده است...

ادامه صفحه ۲

www.golshanemehr.com



دستگیری عامل چاقو کشی حین قدرت نمایی در آق قلا



فرمانده انتظامی آق قلا از دستگیری عامل چاقو کشی و شرارت حین قدرت نمایی در این شهرستان خبر داد. به گزارش روابط عمومی، سعید مارزلو اظهار کرد: به دنبال اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر چاقو کشی و درگیری فردی شرور در یکی از محلات آق قلا، بلافاصله مأموران انتظامی شهرستان به محل اعزام شدند. وی افزود: با حضور به موقع پلیس، متهم حین قدرت نمایی و ایجاد رعب و وحشت با چاقو، دستگیر و به مقر انتظامی منتقل شد. فرمانده انتظامی آق قلا گفت: متهم در تحقیقات اولیه انگیزه خود از این اقدام مجرمانه را قدرت نمایی و مشکلات شخصی و قدیمی عنوان کرد. مارزلو با اشاره به معرفی متهم به مراجع قضائی خاطرنشان کرد: پلیس با هرگونه بی نظمی و اخلاص در نظم و امنیت عمومی به شدت برخورد می‌کند.



۷ دستگاه خودرو حمل پسماند تحويل دهیاری های کلاله شد



فرماندار کلاله از تحويل هفت دستگاه خودرو حمل پسماند به دهیاری های این شهرستان خبر داد. به گزارش روابط عمومی، فرهاد شیبک در آئین تحويل خودروهای پسماند به دهیاری های کلاله اظهار کرد: با هدف مدیریت پسماند و ارتقا سطح بهداشت روستایی، چهار خودرو نسان به بخش مرکزی و سه خودرو به بخش پیشکمر با اعتباری بالغ بر ۶ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان تحويل داده شد. فرماندار کلاله گفت: قبل از دریافت هفت خودروی حمل زباله جدید، پسماند ۶۰ روستای کلاله را با ۹ خودروی حمل زباله در دو بخش مدیریت کرده ایم که با افزایش تعداد خودروها، ۹۱ روستای ما به صورت مستقیم تحت پوشش قرار می‌گیرند.

ادامه تیترو اول

مرگ تدریجی درخت‌ها را ندید گرفت. گفتنی است سال ۱۳۹۲ شورای شهر گرگان پیشنهاد کرد ۳۰ کیلومتر درختان چنار ورودی و خروجی شهر گرگان به ثبت آثار طبیعی کشور برسد. ردیف بی نظیری از درختان چنار شاداب که همچون سربازانی در بیرون شهر صف کشیده اند تا به مسافران خوش آمد گویند. بزرگترین کریدور سبز ایران که کاشت و چگونگی نگهداری درختانش از آسیب انسان‌ها و دام‌ها خود داستانی خواندنی از ۶۰ سال پیش است و این روزها به خاطر ساخت و سازهای اطراف شهر در معرض تهدید هم قرار گرفته اما آن طور که شواهد و قرائن حاکیست با وجود دریافت پیشنهاد ثبت چنارهای جاده گرگان، این اثر در میراث فرهنگی کشور به ثبت نرسید زیرا

درختان ربه های یک شهر هستند، آن‌ها علاوه بر زیبایی، تأثیر روحی و روانی مثبتی داشته و در سلامت افراد جامعه نقش مهمی را ایفا می‌کنند، بنابراین باید به هر نحو ممکن آن‌ها را حفظ کرد. این کریدور و تونل سبز ۳۰ کیلومتری درختان قدیمی ۶۰ ساله دارند و به نوعی نماد شهر محسوب می‌شوند و باید به هر شکل ممکن آن‌ها را حفظ کرد. در این واکسای تغییرات اقلیمی و غوغای ریزگردها و آلودگی هوا که هر روز شهرهای زیادی را درگیر می‌کند و با توجه به این‌که سالیان دراز طول می‌کشد تا یک نهال به ثمر برسد نباید داستان بی‌پایان

هیچ سازمان مرتبطی در گرگان حاضر نشد تا مسئولیت حفاظت از آن‌ها را بر عهده گیرد. گرگان شهر چنارهای قدیمی است اما در این میان ۱۳ درخت چنار کهنسال وجود داشت که همگی در سال ۱۳۵۰ یعنی ۵۳ سال پیش به شماره ۱۳۳۳ به ثبت آثار منطقه ای رسیده بود اما از شمار این درختان تعداد انگشت شماری باقی مانده و چنار بالا بلند ۳۶ متری محله سبزه مشهد یکی از همین ۱۳ چنار است. گرگان شهری قدیمی است که چنارهای کهنسال دیگری داشته و دارد، چنارهایی که نه فقط قدمت صدها ساله بلکه سرسبزی و شادابی ویژگی بارز آن‌ها به شمار می‌رود. درختانی که در گوشه و کنار شهر به وفور پیدا می‌شود اما هیچ یک از آن‌ها حتی یک پلاک برای معرفی

به مردم ندارد درحالی که شهرت آن‌ها کمک بزرگی در حفظ و حراست شان می‌کند. در پایان باید گفت که هر گونه ایجاد حریق، گودکنی و عملیات خاک برداری در حاشیه این کریدور سبز می‌تواند تهدیدی برای حیات این درختان باشد و در حقیقت تهدیدی برای بقای شهروندان که از سایه و خدمات فراوان اکولوژیکی این درختان بهره می‌برند. امید است که مقامات محترم مسئول استان جلو هر گونه سازه نامانوس که به حیات این اکوسیستم صدمه می‌زند را گرفته و در امور ثبت ملی این درختان و شناسنامه دارکردن این درختان کوشا باشند.

پژوهشگر بین المللی آب و خاک
فعال محیط زیست

ذرت محصولی که جای شالی را می‌گیرد



جهادکشاورزی گنبدکاووس ادامه داد: باتوجه به کامل بودن ارزش غذایی ذرت علوفه‌ای و تأثیر آن در افزایش شیردهی دام، قابلیت ذخیره و ماندگاری بالای آن، سبب شده دامداران بیشتری از این علوفه استقبال می‌کنند. شیرمحمملی گفت: تولید ذرت علوفه‌ای در گنبدکاووس به اندازه‌ای است که علاوه بر نیاز واحدهای دامی گلستان، مازاد آن به برخی استان‌ها از جمله خراسان شمالی، سمنان و تهران ارسال می‌شود. به گفته شیرمحمملی، متوسط ایجاد اشتغال در هر هکتار از ذرت علوفه‌ای یک نفر است که کشاورزان در فصل کاشت، داشت و برداشت محصول با کمبود کارگر فصلی مواجه می‌شوند. معاون فنی مدیر جهادکشاورزی گنبدکاووس همچنین گفت: این شهرستان با داشتن ۲۵۰ هزار راس دام سبک و ۳۰ هزار راس دام سنگین، قطب تولید گوشت قرمز در گلستان است که توسعه کشت ذرت علوفه‌ای در سال‌های اخیر توانسته است، علوفه تر مورد نیاز ۶۴ واحد دامی آن را تأمین کند. وی یادآور شد: در چند سال گذشته به سبب افزایش قیمت انواع علوفه‌های دامی، ۴۰ درصد دام سبک و سنگین گنبدکاووس از بین رفت اما اکنون با ذرت علوفه‌ای و قیمت مناسب آن می‌توان تا حدود زیادی دام از دست رفته را بازیابی کرد.

تولید ذرت علوفه‌ای در گنبدکاووس به اندازه‌ای است که علاوه بر نیاز واحدهای دامی گلستان، مازاد آن به برخی استان‌ها از جمله خراسان شمالی، سمنان و تهران ارسال می‌شود

مناطق شمالی و شرق استان که روزهای گرم زیادی در سال دارند، قابلیت کشت دارد. وی افزود: نیاز آبی ذرت علوفه‌ای در هر هکتار حدود ۶ هزار مترمکعب است که در سه مرحله به گیاه داده می‌شود درحالی که دیگر محصولات زراعی با نیاز آبی بالا از جمله شالی بین ۱۴ تا ۲۱ هزار مترمکعب آب در هکتار مصرف می‌کنند. شیرمحمملی اضافه کرد: علاوه بر صرفه‌جویی در مصرف آب، ذرت علوفه‌ای می‌تواند جایگزین خوبی برای کشت شالی باشد ضمن اینکه برخی کشاورزان شالیکار گنبدی از کشت ذرت علوفه‌ای استقبال کردند. وی، تأمین علوفه مورد نیاز دامداران گلستان را از دیگر مزایای کشت ذرت علوفه‌ای در استان دانست و گفت: ارزان بودن این علوفه در مقایسه با دیگر علوفه‌ها، ارزش غذایی بالا و ماندگاری آن، هزینه تولید گوشت قرمز را کاهش خواهد داد. این کارشناس

آخرین مورد استقبال کشاورزان این شهرستان قرار گرفته است. حاجی نظر شیرمحمملی افزود: کشت ذرت علوفه‌ای در مقایسه با دیگر محصولات به‌ویژه محصولات با نیاز آبی بالا مانند شالی به صرفه‌تر است. وی اضافه کرد: میانگین برداشت از هر هکتار ذرت علوفه‌ای در گنبدکاووس ۴۵ تن است که با توجه به قیمت هر کیلوگرم ۱۹ هزار ریال این محصول، درآمد خوبی نصیب کشاورزان می‌کند. شیرمحمملی از آغاز برداشت ذرت علوفه‌ای در گنبدکاووس هم خبر داد و گفت: برداشت این محصول از اوائل مهر آغاز شده و تا چند هفته ادامه دارد ضمن اینکه کشاورزان می‌توانند بلافاصله پس از برداشت محصول زمین را برای کشت پاییزه آماده کنند. معاون فنی مدیر جهادکشاورزی گنبدکاووس همچنین به برخی مزایای کشت ذرت علوفه‌ای اشاره کرد و گفت: این محصول گرما دوست است و به همین علت در

لیلا حسین زاده- ذرت علوفه‌ای از جمله محصولات کشاورزی مفید و دارای ارزش افزوده بالا است که به اعتقاد کارشناسان، توسعه کشت این محصول در گلستان می‌تواند علاوه بر تأمین نیاز این استان به علوفه تر، درآمد خوبی را نصیب کشاورزان کرده و مشاغل فصلی مناسبی را هم ایجاد کند. کشت ذرت علوفه‌ای در گلستان با هدف‌های گوناگون از جمله تأمین علوفه مورد نیاز واحدهای دامداری، جایگزینی با محصولات آب بر، کسب درآمد خوب برای کشاورزان و ایجاد مشاغل فصلی درسال‌های اخیر رونق بیشتری گرفته و سطح زیرکشت آن درسال کشاورزی جاری به‌عنوان محصول دوم، نزدیک به ۱۰ هزار هکتار اضافه یافته است. به گفته معاون بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهادکشاورزی گلستان در سال کشاورزی جاری در ۹ هزار و ۶۰۰ هکتار از زمین‌های کشاورزی استان ذرت علوفه‌ای کاشته شده است. علی‌اکبر مهقانی افزود: کشت این محصول در بیشتر شهرستان‌های گلستان به‌ویژه مناطق شمالی و شرقی استان رونق دارد. معاون فنی مدیر جهادکشاورزی گنبدکاووس بیان کرد: ذرت علوفه‌ای از جمله محصولات زراعی است که به‌عنوان محصول دوم پس از برداشت گندم، جو و کلزا در منطقه کشت می‌شود و در سال‌های

گلشهر

۰۱۷۳۲۲۴۴۳۰۲

چالش‌های مادران شاغل؛

دوگانه شغل و فرزند



در عصر حاضر، مادران شاغل با دو مسئولیت رویه‌رو هستند: یکی در محل کار و دیگری در خانه. این وضعیت، بار سنگینی را بر دوش آنها می‌گذارد و بر کیفیت پیوند عاطفی آنها با فرزندان تأثیر می‌گذارد. فاطمه شجاعی، فعال حوزه زنان و خانواده، معتقد است که برای مقابله با این چالش‌ها، باید جهت‌گیری‌ها برای استقلال اقتصادی زنان به صورت بنیادی تغییر کند. به گزارش ایرنا زندگی، در دنیای امروز، صدای زنگ هشدار تلفن‌های همراه زودتر از طلوع خورشید شنیده می‌شود. خیابان‌ها پر از مادرانی است که با عجله بچه‌هایشان را به مدرسه می‌رسانند و سپس به سوی محل کار خود می‌روند. مادر بودن دیگر تنها به خانه و آشپزخانه محدود نمی‌شود. مادران شاغل نقش‌هایی چندگانه را بر عهده دارند: از مدیر پروژه در محل کار گرفته تا مربی، مشاور و همدم در خانه. اما پشت این ظاهر هماهنگ، چالش‌ها و دغدغه‌های بسیاری پنهان است که زندگی آنها و فرزندان‌شان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای فرزندان، بعضی روزها انتظار کشیدن برای بازگشت مادر، شبیه به لحظاتی بی‌پایان است. سوالاتی که در ذهن بچه‌ها می‌چرخد: «چرا مامان مثل بقیه مادران در خانه نیست؟»، «آیا کار مامان مهم‌تر از من است؟»، از سوی دیگر، مادران با این حس مداوم مواجه هستند که آیا توانسته‌اند بین کار و خانه تعادل ایجاد کنند؟ آیا فرزندان‌شان به اندازه کافی از توجه و عشق بهره‌مند می‌شوند؟ در این میان، مسئله تأثیر شاغل بودن مادران بر تربیت و رشد عاطفی فرزندان به یکی از موضوعات بحث‌برانگیز تبدیل شده است. در جامعه‌ای که حضور زنان در محیط‌های کاری گسترده‌تر از گذشته شده، برخی معتقدند که شاغل بودن مادران ممکن است زمان کمتری برای ارتباط عاطفی و تربیتی با فرزندان فراهم کند و به طور بالقوه بر رشد عاطفی، تربیتی و روان‌شناختی آنها تأثیر منفی بگذارد. از سوی دیگر، برخی تحقیقات نشان داده‌اند که شاغل بودن مادران می‌تواند الگوهای مثبتی از استقلال، مسئولیت‌پذیری و موفقیت را به فرزندان منتقل کند. در این زمینه، فاطمه شجاعی، پژوهشگر و فعال حوزه زنان و خانواده به ارائه توضیحاتی می‌پردازد.

استقلال اقتصادی زنان، انتخابی آگاهانه یا تحمیلی؟

فاطمه شجاعی، پژوهشگر و فعال حوزه زنان و خانواده در رابطه با تأثیر اشتغال زنان بر تربیت و رشد عاطفی فرزندان معتقد است که استقلال اقتصادی حقی مسلم برای هر زن است، حقی که با نقش مادری از بین نمی‌رود. او می‌گوید: «ما باید مسیر درست را طی کنیم؛ به جای اینکه زن‌ها را به فعالیت در بازار کار تشویق کنیم، ساز و کار اجرایی و عملیاتی برای حقوق مالی زنان در

ایام زوجیت، حق ارث زنان و... در نظر بگیریم. این ساز و کار مبتنی بر فرهنگ و ارزش‌های جامعه و قوانین کشور به زنان کمک می‌کند تا در کنار دستیابی به استقلال اقتصادی و رشد و توسعه فردی، نقش‌های جنسیتی مانند مادری و همسری را به خوبی ایفا کنند و همزمان به فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و سایر عرصه‌ها نیز بپردازند. شجاعی تأکید می‌کند که اشتغال تمام وقت، مخصوصاً برای مادران، در برخی موارد می‌تواند چالشی برای تربیت فرزندان ایجاد کند، چرا که شغل تمام وقت زمان زیادی را از مادران می‌گیرد. با این حال، او به اشتغال به عنوان یک تحمیل اجتماعی نیز اشاره دارد و می‌گوید: «در بسیاری از موارد، اشتغال به جای اینکه یک انتخاب برای زنان باشد، به عنوان راهی برای کسب استقلال مالی به زنان تحمیل می‌شود. این مسئله زنانی را که می‌خواهند با حفظ حق استقلال مالی به امور خانواده و فرزندان خود نیز بپردازند، بر سر دو راهی انتخاب سخت قرار می‌دهد، اغلب زنان یا دچار فشار نقشی هستند یا با انتخاب یکی از این دو و محرومیت از حق دیگر مواجه می‌باشند. او معتقد است که اشتغال زنان نباید به عنوان یک الزام در زندگی آن‌ها تلقی شود، بلکه باید به عنوان یک انتخاب آزاد و آگاهانه در نظر گرفته شود؛ انتخابی که بر اساس علاقه، فرصت و شرایط فردی باشد، نه تنها برای کسب درآمد و تأمین هزینه‌های زندگی، البته، این موضوع در مورد زنانی که خودسرپرست یا سرپرست

خانوار هستند، شرایط متفاوتی دارد. این فعال حوزه زنان همچنین به بحث تربیت فرزندان در بستر خانواده‌های شاغل می‌پردازد و اظهار می‌کند: «برخی معتقدند شاغل بودن مادران باعث افزایش اعتماد به نفس و استقلال فرزندان می‌شود و برخی دیگر به مشکلات عاطفی و تربیتی اشاره دارند. اما اگر به نظم و چینش نقش‌ها در خانواده از منظر اسلام برگردیم، خواهیم دید که مسئولیت مراقبت از فرزندان، تر و خشک کردن آنان و انجام امور منزل به شکلی که امروز رایج است، لزوماً بر عهده مادران نبوده و این نقش‌ها به «نظام دایگی» سپرده می‌شود. نکته مهمی که نباید مورد غفلت قرار بگیرد و نقش تعیین کننده‌ای در نظم خانواده و سبک زندگی دارد، قوانینی حمایتی برای تقویت نقش «قومیت مردان» در خانواده است. ما نیاز به سازوکارهای قانونی و فرهنگی داریم که استقلال اقتصادی زنان را تضمین کند، به گونه‌ای که این استقلال در چارچوب نقشی که مردان در خانواده به عنوان قوام دارند، قرار گیرد.» شجاعی تأکید می‌کند: زنان باید آزادی انتخاب داشته باشند؛ اینکه بخواهند شاغل باشند (شغل به معنای حضور در ساعات معین در محل کار و کسب درآمد) یا به خانه‌داری بپردازند، نباید اجباری یا تحمیلی باشد. او می‌گوید: «اینکه یک زن بخواهد شغلی داشته باشد و درآمدی کسب کند، یا خانه‌دار باشد و به امور خانواده و فرزندان بپردازد، و درکنار آن فعالیت اجتماعی، سیاسی یا فرهنگی داشته

باشد انتخاب خود اوست و نباید با نادیده گرفتن حقوق مالی زن خصوصاً در ایام زوجیت، زنی مجبور به انتخاب شغلی برای تأمین مالی خود باشد.»

توانمندسازی زنان، راهی برای تقویت پیوند عاطفی مادر و فرزند

در دنیای امروز، بسیاری از مادران علاوه بر مسئولیت‌های خانوادگی، وظایف شغلی نیز بر عهده دارند. این مسئله، زمان آنها را برای تعامل با فرزندان محدود کرده و ممکن است به چالش‌هایی در برقراری ارتباط عاطفی منجر شود. با این وجود، کیفیت رابطه میان مادران شاغل و فرزندان، تنها به میزان زمان سپری‌شده با یکدیگر بستگی ندارد، بلکه به نحوه استفاده از این زمان و ایجاد تعاملات مثبت و سازنده مرتبط است. با توجه به فشارهای ناشی از کار و خانه، یافتن راهکارهایی برای تقویت پیوند عاطفی میان مادران و فرزندان حتی در زمان محدود، امری ضروری به شمار می‌رود. شجاعی در این خصوص معتقد است که مادران برای بهره‌برداری بهتر از زمان محدود خود با فرزندان، نیازمند رشد فردی و توانمندسازی هستند. این پژوهشگر توضیح می‌دهد: «مادری که خسته از کار روزانه به خانه می‌رسد، به سختی می‌تواند مهر و محبت و ارزش‌های فرهنگی را به فرزند خود منتقل کند. برای اینکه یک زن بتواند این نقش را به خوبی ایفا کند، باید ابتدا رشد فردی داشته باشد.» به گفته شجاعی، بسیاری از آسیب‌های اجتماعی مانند افزایش طلاق، کاهش سن اعتیاد و مفاسد اخلاقی ریشه در برهم ریختن و جابه‌جایی نقش‌های جنسیتی و تحمیل نقش‌ها و مسئولیت‌های مردانه به زنان است. او افزود: «زنان وارد عرصه‌های اجتماعی شدند تا با مشارکت و همکاری در موقعیت‌های مختلف جامعه نقش‌آفرینی کنند و جامعه و کشور از توانمندی‌ها و استعداد‌های آنان بهره‌مند شود. اما این تحول در شرایطی رخ داد که هیچ زیرساخت مناسبی برای حمایت از نقش‌های منحصر به فرد و بنیادین زنان در خانواده، مانند مادری و همسری، فراهم نشده بود و این روند همچنان ادامه دارد. نتیجه آن، آسیب‌های اجتماعی ناشی از این فقدان و جابه‌جایی نقش‌هاست که فشارهای سنگین و جبران‌ناپذیری را بر خانواده‌ها تحمیل کرده است.» شجاعی بر ضرورت فراهم نمودن زیرساخت‌های فرهنگی و قانونی برای حمایت از نقش‌های جنسیتی زنان و مردان تأکید می‌کند و خاطرنشان می‌کند که بدون این زیرساخت‌ها، نه تنها زنان بلکه کل خانواده و نهایتاً جامعه تحت تأثیر آسیب‌های جدی قرار خواهد گرفت.



آگهی مزایده عمومی شماره ۱۰۰۳۰۴۱۶۷۰۰۰۰۱ و شماره مزایده مرجع ۱ فروش ۵ دستگاه خودروی تویوتا هایلوکس خودروی متعلق به کمیته امداد



کمیته امداد امام خمینی استان گلستان در نظر دارد

خودروهای خود را به شرح مذکور و با جزئیات مندرج در اسناد مزایده را با بهره‌مندی از سامانه تدارکات الکترونیکی با شماره مزایده ۱۰۰۳۰۴۱۶۷۰۰۰۰۱ و شماره سیستمی ۱ به صورت الکترونیک به فروش برساند.

آخرین مهلت ارسال پیشنهادات قیمت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۴ ساعت ۱۹:۰۰

زمان بازگشایی: ۱۴۰۳/۰۷/۲۵ ساعت ۸

زمان اعلام به برنده: ۱۴۰۳/۰۷/۲۶ ساعت ۸

آدرس سامانه ستاد: (www.setadiran.ir)

زمان انتشار در سایت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹ ساعت ۹:۰۰

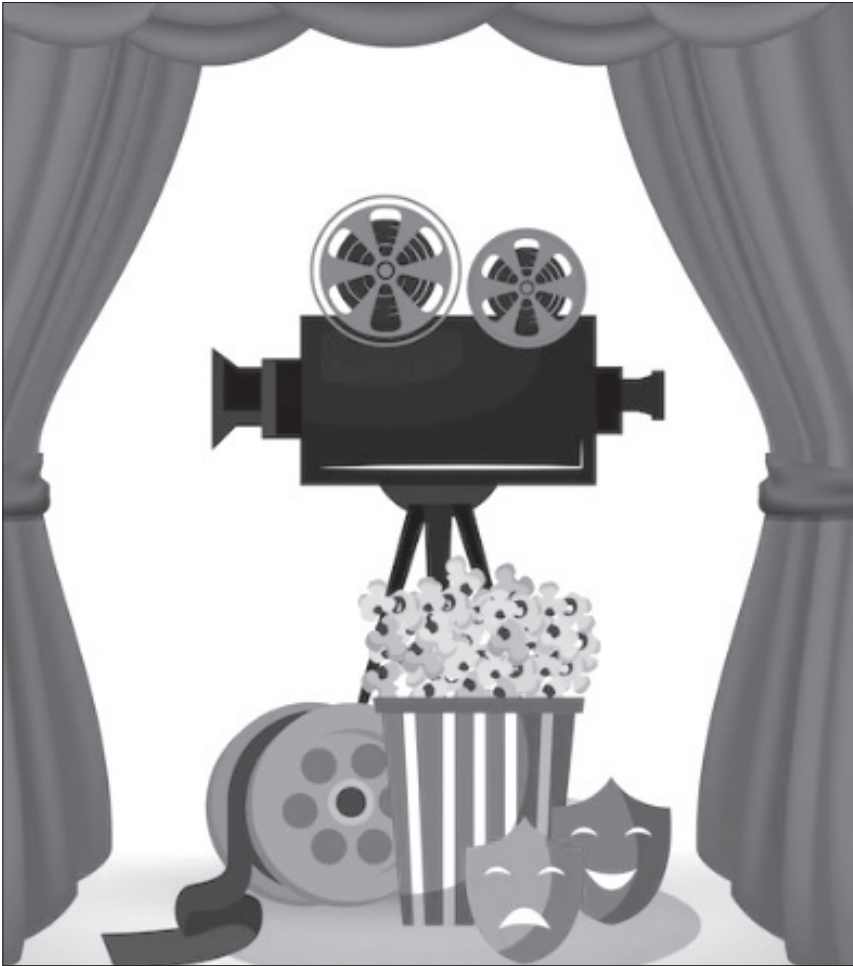
مهلت دریافت اسناد مزایده: ۱۴۰۳/۰۷/۱۴ ساعت ۱۷:۰۰

تاریخ بازدید: از ۱۴۰۳/۰۷/۱۸ لغایت ۱۴۰۳/۰۷/۱۸ از ساعت ۸ صبح لغایت ۱۴

شناسه آگهی ۱۷۹۶۵۹۰

بشریت و بالون های کاغذی

قاتل یکی از ماست



گلستان، دولت آبادی اهالی روستا و قشر ضعیف همواره تسلیم بی چون و چرای مدرنیته و آمه‌های شهری‌اند ولی، در این فیلم همه طبقه‌ها زیر تیغ نقد واقع می‌شوند! همه به یک اندازه از ضعف‌های خود ارتزاق می‌کنند! فیلم روی ریل انتقام قهرمانانه قرار نمی‌گیرد بلکه باز همه چیز تکرار می‌شود، دختر رزوه شده توسط صاحبخانه به نوحه‌ها بازگردانده می‌شود و پولی به جیب می‌زند، شینزا سهمش را خرج غذا و نوشیدنی اهالی محله می‌کند و روئین با نامه‌ی پدرش به خانه می‌رود. دختر که بازگشته، یاکوزا شینزا را برای کشتن به خارج از محله می‌کشاند. همسر روئین که در سفر بوده، موقع بازگشت با بیچ‌پیچ همسایه‌ها واجه می‌شود: «دختر فراری چند روز در خانه او بوده.» سامورایی هم وقتی به خانه می‌آید در حالی که حالت عادی ندارد، به زنش دروغ می‌گوید که نامه‌اش را سامورایی خوانده و به زودی دستش را بند خواهد کرد، در حالی که نامه جلوی روی همسرش افتاده. شینزا روی پل توسط نوحه‌ها کشته می‌شود. و صبح روز بعد می‌بینیم که، صحنه ابتدایی فیلم عینا تکرار شده و اهالی در حال بیچ‌پیچ‌اند: «سامورایی و زنش، خودکشی کرده‌اند.» آخر فیلم جنبه کارآگاهی ابتدای فیلم ارضا می‌شود و می‌فهمیم که دور تکرار این خودکشی‌ها، قاتلش کسی نیست جز خود اجتماع، و انگار تا ابد این چرخه ظلم ادامه خواهد داشت. طبقه فرودست طغیان می‌کند، حتی تا آستانه‌ی انتقام هم می‌رود ولی، روئین‌های از درون خورد شده و شینزاهای باری به هر جهت هیچگاه نمی‌توانند این چرخه‌ی ظلم را بشکنند.

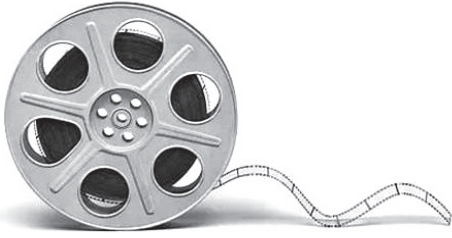
شینزا در اتفاقات داستان معشوقه‌ی پسر سامورایی شهیر را می‌دزد، طوری که نوحه‌هایش به پایش می‌افتند و از او خواهش می‌کنند دختر را برگرداند، اما شینزا دختر را در خانه روئین مخفی می‌کند و از این کار سر باز می‌زند. روئین هم بالاخره آب پاکی روی دستش ریخته می‌شود و توسط سامورایی تحقیر می‌شود. روئین اگرچه هنوز غرور سامورایی‌اش را دارد و حاضر نیست حتی پول غذایش را شینزا حساب کند ولی، خودش رفته‌رفته اصول سامورایی را زیر پا می‌گذارد و به همسرش دروغ می‌گوید! در واقع شینزا که یک انسان باری به هر جهت است رفته رفته به قهرمان انتقام‌جو تبدیل می‌شود، قهرمانی می‌شود که از ابتدا همه از روئین انتظارش را داشتند. تا اینجای داستان، بستر برای تخلیه تماشاگر (کاتارسیس) توسط قهرمانان کاملاً مهیاست و مانند هفت سامورایی کوراساوا یا همه فیلم‌های اکشن و قهرمانانه‌ای که دیده‌ایم، شینزا و روئین می‌توانند انتقامشان را از سامورایی و یاکوزای شهر بگیرند. ولی اتفاقی که در فیلم رخ می‌دهد فراتر از سینمای جهان در آن سال‌هاست. حتی فراتر از سینمای امروز ما. اتفاقی که در فیلم می‌افتد یک چرخش بسیار عجیب و منتقدانه‌ای است که در نوع خودش بی‌بدیل است. فیلم نه تنها طبقه‌تهی دست بلکه اشراف و حتی تفکر سامورایی‌ها و روئین‌ها را نیز می‌کوبد. ما همیشه عادت کردیم که در فیلم‌ها و داستان‌هایمان قشری خاص مورد شمات واقع شوند، مثلاً در ادبیاتمان، در آثار نویسندگانی چون سعدی،

را انتخاب کرده و مانع از کاسبی‌شان (ماهی فروشی) شده! بعد از آن هم، مراسم ختمی که توسط صاحبخانه برای احترام به روح متوفی برگزار می‌شود (دور کردن نحسی از خانه)، تبدیل به جشن می‌شود! همسایه‌ها انگار که در جشن حضور پیدا کرده‌اند تا مراسم ختم! چرا؟ چون در وهله اول فقر احساساتشان را کاملاً از بین برده و دوم اینکه: دچار روزمرگی شده‌اند، روزمرگی‌ایی که کنترل زندگی‌شان را به دست گرفته. برای نشان دادن روزمرگی در فیلم، در سکانسی از فیلم، یکی از ماهی فروشان که در حال فریاد زدن نام ماهی، برای فروش است، می‌گوید: این قدر نام ماهی را داد زدم، اسم خودمو فراموش کردم! کلمه ماهی برام بی معنی شده ... کارگردان از کارایی دیالوگ به نحو احسن استفاده می‌کند، با چند دیالوگ ساده، هم ما را به شناخت عمیق از شخصیت‌ها و تیپ‌های می‌رساند و هم اینکه آب به فیلمش نمی‌بنالد! ما در فیلم با انواع تیپ‌ها و دو شخصیت اصلی همراهیم. اولی یک روئین است، روئین به سامورایی‌های بی‌ارباب یا ارباب مرده گفته می‌شود، روئین تنگدست به دنبال سامورایی مشهور شهر است تا نامه پدرش را به او برساند و از او درخواست کمک کند. به زعم روئین، این سامورایی نامی شهر، جایگاه و اعتبارش را مدیون پدرش است و حالا که پسرش به کمک نیاز دارد، احتمال می‌داند که سامورایی به او کمک کند! سامورایی به روئین بی محلی می‌کند و به نوحه‌هایش می‌سپارد کتکش بزنند. در حین کتک خوردن روئین، شینزا همسایه‌اش به کمکش می‌شتابد، اگرچه شینزا خودش تحت تعقیب همین نوحه‌هاست! در ابتدای فیلم که همین نوحه‌ها برای تصفیه حساب به خانه شینزا می‌روند، او در خانه روئین مخفی می‌شود. شینزا و روئین شخصیت‌های اصلی فیلم هستند که اگرچه هدف‌های متفاوتی دارند ولی هم مسیر می‌شوند! شینزا جوان بی‌کله و نترسی است که از مافیای یا بهتر است بگوییم یاکوزا! هراسی ندارد و با اینکه چندین بار تهدید به مرگ شده ولی باز هم بساط قمار در خانه‌اش به راه انداخته و کار و کاسبی صاحبان قمار در شهر را کساد کرده. و اما شخصیت‌های فرعی، کارگردان در نقش‌های فرعی از کاراکترهایی سود برده که در نوع خود خاص و ماندگارند. مثلاً یکی از اهالی آن محله کور است، کوری که می‌تواند بعدها به یک تیپیکال کلیشه تبدیل شود و بعداً همیشه از آن تیپ استفاده شود. یا همسر روئین که یک تیپ از زنی صبور و ساکت است که در سختی‌های زندگی همواره همراه است، یا صاحبخانه‌ای زن که همواره به دنبال منفعت است و اهالی به اصطلاح مفت خور که دیگر اخلاقی برایشان نمانده. در چند سکانس نشان داده می‌شود که چپق مرد کور توسط یکی از اهالی زدیده می‌شود. (زدیدیلن از کوز نهایت بی‌اخلاقی) کم‌کم متوجه می‌شویم که مرد کور می‌داند چه کسی چپقش را زدیده، ولی چون خراب بوده، صبر می‌کند تا آن را تعمیر کند، بعداً از او پس بگیرد. این موقعیت کمدی، یک واقعیت تاریک را بیان می‌کند. به قول اسپینوزا: اخلاق چیزی است که در حد توان فرد اتفاق می‌افتد. یعنی برداشتن بی‌اجازه نان برای آدم گرسنه دیگر جنبه اخلاقی و برچسب دزدی ندارد بلکه کاری است از روی زرنگی برای بقا! توان مالی و زیستی اهالی تا حدی تنزل پیدا کرده که از مرگ همسایه نه تنها اندوهی ندارند، بلکه ناراحتند چرا روز بارانی نمرده یا دزدی از همسایه کور امری عادی جلوه می‌کند و در مقابل حیل‌های مرد کور برای رایگان تعمیر شدن چپقش به همان نسبت زرنگی تلقی می‌شود نه بی‌اخلاقی!



علی درزی

در سینمای جهان، این هفته سراغ سینمای دهه سی ژاپن رفتیم. فیلم "بشریت و بالون‌های کاغذی" اثر سادو یاماناکا. سریال‌هایی مثل اوشین (سال‌های دور از خانه) و لینچان (جنگجویان کوهستان) یا فیلم‌هایی مثل ریش قرمز و هفت سامورایی و برنامه کودک‌هایی مثل میتی کومان یا افسانه سه برادر، از قدیم الایام ذائقه ما را با محصولات ژاپنی عجین کرده. اگرچه امروزه ژاپن یکی از بزرگترین تولیدکنندگان بازی (game) در جهان محسوب می‌شود و علاوه بر آن با مانگاها و انیمیشن‌هایی که می‌سازد برای نسل جدید ما بیش از پیش آشناست. بد نیست که سینمای کلاسیک این کشور را بررسی کنیم. ژاپن هم مستثنی از متحد فاشیست خود در جنگ جهانی دوم نبود و در آن دوران هنرمندان، مخصوصاً سینماگران را مجبور به ساختن فیلم‌هایی در ستایش روحیه ملی گرایانه خود می‌کرد. نمونه بارز آن ۷۷ روئین اثر کنجی میزوگوشی است، اگرچه او اثر پروپاگاندایی ساخت ولی، امضای مخصوصش را پای همان فیلم هم زد. فیلم مورد نقد ما اثر کارگردانی ناآشناتری نسبت به کوراساوا و میزوگوشی و یا حتی اوزو است. شاید اگر رد پای سینمای خالص و خلاقانه‌ی ژاپن را از سرمنشا مورد تحقیق قرار دهیم، بهتر به راز پیشتازی امروزی‌اش در مانگاها و بازی‌ها برسیم! داستان فیلم در یک روز آفتابی بعد از چند روز باران شدید، در محله‌ای فقیرنشین که همه با هم همسایه و مستاجر یک موجرند، رخ می‌دهد. یک سامورایی پیر خودکشی کرده و این اولین خودکشی این خانه نیست، قبلاً هم این اتفاق (دقیقاً یک سامورایی دیگر) در این خانه افتاده! اگر کتاب مستاجر اثر رولان توپور را خوانده باشید یا فیلمش را که رومن پولانسکی ساخته، دیده باشید، اولین ایده‌ای که به ذهنتان خطور می‌کند این است: خانه‌ای مشکوک (جن زده یا در تسخیر ارواح) که اهالی‌اش خودکشی می‌کنند. ولی این‌طور نیست! داستان چیز دیگری است. حدس معقول‌تری که با همان سکانس ابتدایی می‌شود زد، حدس فیلم کارآگاهی است، اینکه شاید این قتل‌ها کار شخص یا گروه خاصی است! اگرچه این حدس هم اشتباه است، ولی این حدس در خاطراتان بماند! به دلیل قتل‌ی که رخ داده کوچک توسط ماموران بسته می‌شود و کسی حق خروج از محله را ندارد. در همین زمان یکی از اهالی با یک دیالوگ تکلیف ما را با فیلم مشخص می‌کند. چرا همون روز بارانی خودشو نکشت؟! چرا امروز که هوا خوبه و ما می‌خواهیم بریم سر کار! بله، درست حدس زدید. داستان در مورد طبقه‌های اجتماعی‌ست، در شروع فیلم ما با قشر فقیری مواجهیم که درجه فقرشان، احساساتشان را به حدی تنزل داده که تقریباً احساسی برای همدردی و سوگواری برای مرگ همسایه‌شان ندارند! حتی از جنازه‌اش گله دارند که چرا همچین روزی



مثلث واژگون

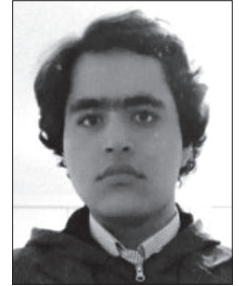
سریالی؟ کارکرد سریال داستانی، داستان گوئی است، با هر سبکی که می‌خواهد داشته باشد، نه اینکه زیر اسم سریال و بازیگر و فرم بازی - و نه فرمالیسم - خودش را پنهان کند و مخاطب را گیج کند و اسم هنر والا و خاص را هم رویش بگذارد. (البته مثال خارجی اش هم سریال لست آف آس است، که کلا هشت قسمت است و تا قسمت پنج داستان نه به بارست و نه به دارست، منتهی لست آف آس، ادعایی را که قورباغه دارد، ندارد، و مشتاقانش شاید از دسته ی گیم‌های کامپیوتری باشند، یا کنسول داران پی اس فور - که بازی انحصاری آنهاست و دارندگان ایکس باکس نمیتوانند بازی کنندش - یا عده ای که مشتاق همچه داستان بقا-آخرالزمانی ای باشند. خود داستان فی نفسه چیزی ندارد، بلکه تحمیل تأویل مخاطب است که برای مخاطب، جذاب است بر آن داستان، و آن را میبیند. اما دسته ی دیگری هستند مانند مثلث واژگون، که همان



ممکن است آن‌ها را نمونه ی اعلا ی فیلم و سریال بیابد و آنها را ببیند. البته که هنگام بحث از هنر و حتی واسازی دوگانه ی مطبوع-نامطبوع، باز میتوان این فیلم-سریال‌ها را تحلیل کرد و همه را از دم تیغ نقد گذراند، و تازه از آن هم رسید به سازندگان آنها که غالباً دولتی است - حتی در لوای خصوصی بودنشان - و از یک جزء، کل را زد. زدن هم نه به معنی خصوصیت شخصی، بلکه به معنی خصوصیت جمعی است. جمعی که به اجبار و ناچار در معرض این آثار هستند. باز درین بین، امر دیگری پیش می‌آید و آن نوع آن فیلم یا سریال است. یک وقتی من منتقد-نویسنده دارم نون خ را میبینم و یا دینامیت را - که از همان نام کارگردان می‌توان مُسخر مسخره بودن و معفن بودنش را فهمید، ولی گاهی فیلم یا سریال دیگری پیش می‌آید مانند قورباغه یا همین فیلمی که قرار است درباره اش صحبت کنیم: مثلث واژگون. دیگر درین جا سازنده-مولف پیش فرضی از فرم و هنر و معنا دارد. دیگر میخواهد طبق شباهت های خانوادگی ای که لودویگ ویتگنشتاین میگوید، اثر خودش را جزو آثار هنری بیآورد، میخواهد فیلمی بسازد که ارزش وقت گذاشتن و دیدن و تامل کردن داشته باشد، اما صرفاً میخواهد. مثلاً جز بازی نوید محمذزاده و شمایل ستارگی او، و نوع داستان گوئی هومن سیدی، چه چیز دیگری قرار است ما را جذب قورباغه کند؟ اینکه کل سریال پانزده قسمت باشد و تا قسمت هفت هنوز داستان شروع نشده باشد، دیگر چه هنری و چه



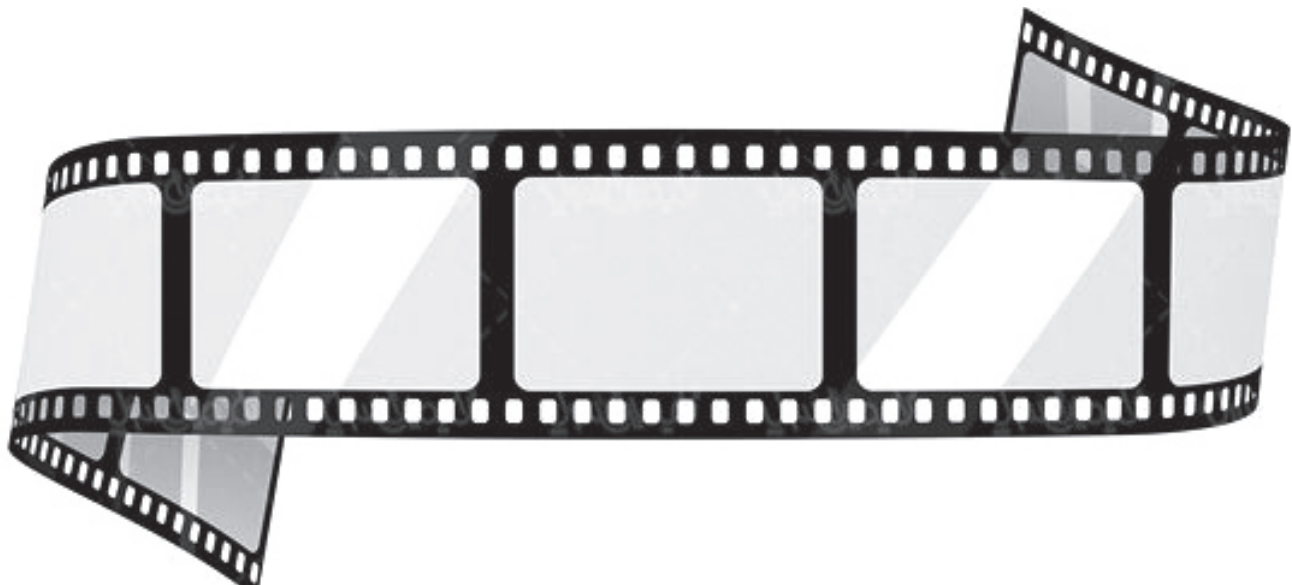
میان مایگی و بیهودگی میتواند کشیده شود. اما در مواجهه با این موضوع و متعلقاتش، مخاطب و واکنش مخاطب ما یکسان نیست. دیگر نمیتوان به صفر و صد، از سختی و سادگی سخن گفت. در اینجا دو عنصر دیگری پیش کشیده میشود، به اسم تحمل و تعامل. به اینکه مخاطب تا چه حد میتواند آن موضوع را تحمل کند(مخاطب اول) یا اینکه مخاطب چگونه میتواند با آن و در آن موضوع تعامل داشته باشد(مخاطب دوم). این امر بسته به عوامل مختلفی تعیین میشود. چه تعاملش و چه تحملش. اینکه با چه انگاشته‌ها و پیش زمینه‌ها(نه در معنای منفی اش) مخاطب ما، با موضوع مبتذل و پیش پا افتاده روبرو میشود. البته که نسبت ابتذال و پیش پا افتادگی نسبت به موضوعی میتواند از فرد به فرد و فرهنگ به فرهنگ و تاریخ به تاریخ متفاوت باشد. با این وجود، ما ممکن است با امری ساده یا دشوار و یا زیبا یا نازیباً روبرو باشیم، ولی به آن صفات دیگری نسبت دهیم - اعم از تعالی یا مبتذل - و همانگاه پیشروی و تعامل ما، یا تحمل و عذاب کشیدن ما، با آن انگاشته‌ها-نسبت‌ها، تعیین شود. با همین مقدمه است که مخاطب میتواند در مواجهه با فیلمی مثل تگزاس، مثل چشم و گوش بسته، مثل سریال‌هایی چون نون خ، عاشقانه و یا پدر و زیر پای مادر و یاور و میوه ی ممنوعه موقعیتی دوگانه یا چندگانه پیدا کند. اگر به من باشد، دیدن این سریال‌ها را در حوزه ی ابتذال و بیهودگی و هدر رفتن مال و جان و عمر و سرمایه دسته بندی میکنم. و از آن سو کس دیگری



محمد صالح فصیحی

شما یک... هستید!

هنگامی که با موضوعی ساده برخورد میکنید، ممکن است که تمرکز شما به راحتی بر آن موضوع قرار بگیرد و بتوانید به سادگی آن را تحمل کنید. حتی اگر این موضوع ساده، چیزی باشد مانند خیره شدن به دیوار، مانند خواندن بخش ورزشی روزنامه، مانند گشت زدن در اپلیکیشن یا سایتی معمولی. از آن سو اما شاید تمرکز کردن بر موضوعی که نیازمند فکر کردن و دقیق شدن باشد، سخت باشد. یاد است که سید مهدی شجاعی، یکی از دلایل کتاب خواندن مردم را، همین مورد ذکر میکرد. میگفت چون کتاب خواندن مستلزم فکر کردن است، و چون فکر کردن دشوار است و به سادگی نیست (و حتی میتوان پیش تر رفت و گفت اندیشیدن نه حالا الحادی، بلکه میتواند تخریب گر باشد) الحداد نیز شاید تخریب محسوب شود! پس هرکسی نه شاید بخواهد و نه شاید بتواند که سمت دقت و اندیشه - و در مرحله ای ریزتر، سنجشگرانه اندیشی(و نه صرفاً نقد و نقادی و انتقاد-انتقادی) - پیش برود. از همین روست که وضعیت کتابخوانی ما به این شکل است. لاقلاً یکی از دلایل میتواند این باشد. هرچند که این تنها دلیل موجود نیست، اما از سمت دیگر، میتوان موضوع دیگری را هم پیش کشید، و آن موضوع مبتذل باشد. موضوعی که ممکن است الزاماً ساده نباشد، بلکه از پیچ و خم‌ها و دقیق شدن‌هایی برخوردار باشد، منتهی اگر دو دوری هرمنوتیکی نگاهش کنیم(کل شناخته نمیشود مگر این که جزء شناخته شده باشد و جزء شناخته نمیشود مگر اینکه تصویری-تفهیمی از کل در ذهن وجود داشته باشد) آنگاه آن امر-موضوع به سمت ابتذال و



افزایش ۱۵ درصدی حیوان گزیدگی در گلستان



معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی گلستان سگ و گربه را عامل اصلی حیوان گزیدگی در استان دانست و گفت: آمارها نشان دهنده افزایش ۱۵ درصدی حیوان گزیدگی در استان است. به گزارش روابط عمومی، دکتر

معاون بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی گلستان گفت: از سال ۱۳۹۷ تاکنون هیچ مورد ابتلا یا مرگ ناشی از بیماری هاری انسانی در استان مشاهده نشده است. شبیهی بیان کرد: ۳۳ مرکز درمان هاری به صورت شبانه روزی در گلستان

در فصل بهار امسال که آخرین آمار حیوان گزیدگی در گلستان گردآوری شد

پنج هزار و ۷۳۳ مورد حیوان گزیدگی ثبت شد

موسی الرضا شبیهی به مناسبت روز جهانی هاری اظهار کرد: در فصل بهار امسال که آخرین آمار حیوان گزیدگی در گلستان گردآوری شد، پنج هزار و ۷۳۳ مورد حیوان گزیدگی ثبت شد که در مقایسه با چهار هزار و ۸۶۶ مورد مدت مشابه سال گذشته روند افزایشی را نشان می‌دهد. وی بیشترین گزش در این مدت را مربوط به گالیکش، کردکوی، کالاه و گنبدکاووس دانست و افزود: موارد گزش در مناطق روستایی کمی بیشتر از مناطق شهری است.

کارشناسان، تجهیز مراکز شبانه‌روزی هاری و تامین واکسن و سرم مورد نیاز، انجام واکسیناسیون هاری، اقدامات اولیه مانند شستشوی زخم، تزریق واکسن کزاز و پیگیری موارد تاخیر حتی مراجعه به بیمارستان، منزل یا محل کار فرد حیوان گزیده، واکسیناسیون سگ‌های گله و صاحب‌دار به شعاع سه تا پنج کیلومتر در اطراف کانون‌های مثبت توسط دامپزشکی و واکسیناسیون افراد در تماس حیوان هار، انجام مجموعه اقدامات در شناسایی موارد مشکوک به هاری در انسان و گرفتن نمونه پوست و مو در فرد زنده و نمونه گیری از حیوان مشکوک به هاری توسط دامپزشکی و نظارت بر دفن بهداشتی لاشه‌ها با نظارت مرکز بهداشت از مهمترین راهکارهای پیشگیری و درمان حیوان گزیدگی و هاری محسوب می‌شود. همچنین تشکیل جلسه با اعضای شوراهای اسلامی و دهیاران در مراکز خدمات جامع سلامت در کانون‌های مثبت هاری اعلام شده توسط دامپزشکی، بازدید از مراکز تهیه، نگهداری و توزیع دام و قلاخه گذاری سگ‌های خانگی هم از جمله فعالیت‌های برون بخشی مرکز بهداشت گلستان برای کنترل هاری و حیوان گزیدگی است. بهترین راه پیشگیری از حیوان گزیدگی اجتناب از نزدیک شدن به سگ‌های پرهیز است و برای پیشگیری از حیوان گزیدگی باید از بازی کردن، آزار و اذیت، غذا دادن و نزدیک شدن به حیوانات ولگرد پرهیز کرد و در صورت هرگونه خراش یا گاز گرفتگی توسط حیواناتی مانند سگ، گربه، شغال، اسب، گاو و رویاه بلافاصله به مرکز شبانه روزی درمان هاری شهرستان مراجعه شود. پنجه کشیدن گربه یا سگ همانند گاز گرفتگی محسوب شده و نیازمند انجام واکسیناسیون هاری است و شستشوی سریع محل حیوان گزیدگی با آب و صابون به مدت حداقل ۱۵ دقیقه نخستین اقدام برای پیشگیری از ابتلا به بیماری هاری محسوب می‌شود و افراد در صورت نگهداری سگ و گربه، حتما نسبت به واکسینه کردن سالانه آنها اقدام کنند. در مراکز شبانه روزی پیشگیری و درمان هاری، واکسیناسیون رایگان است چرا که بعد از گزش واکسیناسیون هاری تنها راه نجات از ابتلا به بیماری و مرگ حتمی شناخته می‌شود.



توسعه گلستان بدون چشم‌انداز به کندی پیش خواهد رفت



رئیس دانشگاه آزاد اسلامی گلستان ضمن تأکید بر ضرورت تدوین سند چشم‌انداز استان گفت: به طور قطع بدون سند چشم‌انداز توسعه استان کند و تکراری اتفاق می‌افتد. به گزارش روابط عمومی، سیدعلی طاهری با اشاره به لزوم تدوین سند چشم‌انداز در استان اظهار کرد: با توجه به ظرفیت‌های علمی دانشگاه‌ها و شناختی که نسبت به استان وجود دارد، بهتر بود که در تدوین سند چشم‌انداز استان از نخبگان و دانشگاهیان از جمله دانشگاه آزاد اسلامی که توان علمی بالایی دارد بیشتر استفاده شود. وی پیشرفت استان را در گرو داشتن برنامه و سند چشم‌انداز دانست و افزود: روند پیشرفت برنامه‌های توسعه ای دستگاه‌های مختلف استان بدون سند توسعه حرکت کند، تکراری و به دور از روزآمدی اتفاق می‌افتد که ضرر آن متوجه مردم خواهد شد و کشور نیز پیشرفتی نخواهد داشت. وی با تأکید بر تشکیل کارگروه نظارتی سند چشم‌انداز بیان کرد: باید بر نحوه عملی شدن سند نظارت صورت بگیرد به این معنا که کارگروه نظارتی در استان و ذیل آن در هر اداره کل زیر نظر بازرسی استانداری یا دستگاه‌های نظارتی از جمله دیوان محاسبات، بازرسی کل، دستگاه‌های قضایی و امنیتی تشکیل شود تا میزان پیشرفت سند در این کارگروه مورد ارزیابی قرار گیرد. سید علی طاهری ادامه داد: برنامه‌های ۵ ساله کشور گاهی اوقات به گونه‌ای است که قابلیت اجرا ندارد به این معنا که خیلی بلند پروازانه نوشته شده و قابل اجرا نیست یا حداکثر بین ۲۵ الی ۳۰ درصد آن اجرا می‌شود. وی یکی از دلایلی که بخشی از این برنامه‌ها اجرایی نمی‌شود را عدم نظارت به روز عنوان کرد و افزود: برای اینکه سند در یک اداره محقق شود باید نظارتی صورت گیرد که نتیجه بخش باشد به این معنا اگر نظارت صورت گیرد بتواند تذکر داده و پیگیری، تشویق و تنبیه کند. سیدعلی طاهری سند تحول و تعالی دانشگاه آزاد اسلامی را نمونه موفقیت دانست و ادامه داد: از سال ۱۴۰۰ در دانشگاه آزاد اسلامی سنلی تحت عنوان سند تحول و تعالی دانشگاه تدوین شد که بسیار اجرایی و کاربردی بوده است و نظارت بر نحوه عملکرد دانشگاه به صورت سالانه و به شکل امتیاز دهی یا رتبه‌بندی انجام می‌گیرد همچنین زمینه‌های عدم توفیق دانشگاه و اهداف پیش رو در نظر گرفته می‌شود که از نحوه اجرایی شدن این سند می‌توان به عنوان یک نمونه و الگوی موفق نام برد.



آگهی مناقصه عمومی



شهرداری گرگان در نظر دارد

نسبت به اجرای پیاده‌روسازی در سطح منطقه ۳ (با مشخصات بارگذاری شده در سامانه ستاد) با مبلغ برآورد اولیه ۳۴,۵۹۰,۱۴۴,۰۰۰ ریال (بدون تعدیل) بر مبنای فهرست بهاء و رسته کاری ابنیه - راه و باند از محل کد پروژه ۴۰۲۶۰۴ بودجه عمرانی شهرداری از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید، لذا افراد و شرکت‌های واجد شرایط می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۰ لغایت مورخه ۱۴۰۳/۰۷/۲۸ به سامانه ستاد آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

سیدمحمد رضا سیدالنگی - شهردار گرگان - شناسه آگهی ۱۷۹۶۶۰۳



آگهی مناقصه عمومی



شهرداری گرگان در نظر دارد

نسبت به اجرای پیاده‌روسازی در سطح منطقه دو (با مشخصات بارگذاری شده در سامانه ستاد) با مبلغ برآورد اولیه ۳۴,۹۳۱,۴۵۹,۷۰۰ ریال (بدون تعدیل) بر مبنای فهرست بهاء و رسته کاری ابنیه - راه و باند از محل کد پروژه ۴۰۲۶۰۳ بودجه عمرانی شهرداری از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید، لذا افراد و شرکت‌های واجد شرایط می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۰ لغایت مورخه ۱۴۰۳/۰۷/۲۸ به سامانه ستاد آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

سیدمحمد رضا سیدالنگی - شهردار گرگان - شناسه آگهی ۱۷۹۶۶۰۰

کلمشهر

۰۱۷۳۲۲۴۴۳۰۲

باتکلیف ننوشتن بچه ها چه کنیم؟

زندگیمان نگاه کنیم و ببینیم کجاها ورودیهای زائد داریم و شاخه های زیادی را که بوجود آورده ایم باید هرس کنیم تا بچه بتواند تمام تمرکز خود را بر روی درس و انجام تکلیف بگذارد. به نظر من دخیل کردن بچه ها در کارهای خانه تاثیر بسیاری در بالا بردن تمرکز بچه ها دارد. مثلا پاک کردن یک کیلو لوبیا یا نخود فرنگی که مدت زمانی طول میکشد و پر تکرار است موجب می شود صبر و حوصله و در کنار آن تمرکز نیز بالا برود. برای والدینی که زمان انجام تکلیف کودک در کنارشان هستند، نسخه کلی وجود ندارد. شاید هر مادری بهتر میتواند درک کند که بچه من چقدر نیاز دارد و چقدر اضافه بر نیاز من در کنارش هستم. اول باید این را بسنجد و وقتی متوجه شد که من بیش از نیاز در کنارش هستم، به مرور باید این زمان را پایین بیاورد. مثلا بگوید: تا تو این مطلب را بنویسی من بروم کارم را انجام دهم بیایم. یعنی در مرحله اول حضور فیزیکی را دارم، اما مداخله ای ندارم و به مرور حضور فیزیکی را هم کم میکنم.

میزان مشارکت والدین

اگر من همیشه یک والدین هلیکوپتری بودم و بیش از حد حمایت میکردم، نمیتوانم انتظار داشته باشم که وقتی کلاس اول میروم ناگهان خودم را کنار بکشم. این رفتار میتواند به روح و روان دانش آموز آسیب برساند. اما اگر بچه از همان سن سه سالگی استقلال دارد و قرار نیست ناگهان او را رها کنم تا استقلالش را بدست آورد، این چیزی است که خود والد باید حس کند. اما من اگر یک والد بیش حمایتگر بودم باید آنقدر نرم عقب بکشم که اصلا بچه احساس نکند. یعنی خیلی قدم به قدم و مورچه ای این حثف حمایت انجام شود. اینطور نباشد بچه ای که اصلا تا به حال تجربه استقلال، انتخابگری و آزمون و خطا را نداشته حالا به او بگوید: «خودت مسئولی» باید استقلال را از کارهای کوچک شروع کرد. مثلا بگوید: «برنامه را من مینویسم» یا «با هم بنویسیم بعد هم باید این چند برنامه را به تنهایی پیش ببری.

توصیه آخر

اگر تکلیف معنا دار باشد یعنی بچه متوجه شود که این تکلیف چرا به او داده شده و برایش جذاب باشد، بهتر است تا اینکه معلم تشخیص داده که تو باید این کار را انجام دهی بدون اینکه دلیل آن را بدانی. خوشبختانه الان مدارس سعی بر این دارند که حجم تکلیف کم باشد اما از سویی معنا دار بودنش را برای دانش آموز تعریف نمیکند. والد میتواند این کار را انجام دهد. یعنی اگر من میدانم برای فرزندم فردی عزیز است، به او بگویم بیا برای او نامه بنویسم. کم کم که بچه خودش را در این کار توانمند ببیند به آن کار علاقه مند می شود. با توجه به ظرفیت بچه، باید تکلیف را کوتاه کنیم. در روزهای هفته و ساعتی که در خانه حضور دارد این زمان را پخش کنیم. در بین بچه های کلاس اول ضعیف بودن عضلات دست تاثیر بسزایی در زود خسته شدن آنها دارد. خمیر بازی، گل بازی و کار با قیچی کمک بسزایی در قوی شدن عضلات دست دارد و ناخودآگاه از سختی کار تکلیف کم می شود. زمانی هست که بچه خمیربازی کرده اما اصلا قبل از مدرسه مداد دستش نگرفته است. من پیشنهاد میدهم نقاشی های ماندلا که رنگ آمیزی ریزی دارد و حتی مناسب بزرگسالان است را انجام دهد که به تطابق دست و چشم کمک میکند و موقع نوشتن تکلیف کمتر خسته می شود. توصیه تکراری و نخ نما شده هم وجود دارد که مادر به خاطر تکلیف، رابطه اش را با بچه خراب نکند. بارها شنیده ایم اما عمل کردن به آن مهم است. فکر نکنید که اگر فرزند شما تکلیفش را نوشت مسئولیت آن بر گردن شما است. نه! مسئولیت آن بر عهده خودش است. چرا من مادر باید رابطه ام را با او خراب کنم و مدام تذکر دهم؟ مادر اگر کاری میخواهد انجام دهد باید با مسئولین مدرسه صحبت کند که «من باید چه کارهایی انجام دهم؟» و این بر عهده مدرسه است که به بچه ها بیاموزد که اگر دانش آموز تکلیفش را انجام نداد چه پیامدهایی دارد. این پیامدها ممکن است به این شکل باشد که دانش آموز خودش انتخاب کند که اگر من انجام نادم چگونه میتوانم در زمان مدرسه انجامشان دهم. مثلا خود کودک یک زمان معین مشخص کند که «من انجام میدهم» و متوجه شود که این مسئولیت من است و باید انجام بدهم و اگر انجام نادم صورت مسئله پاک نمی شود. دیر و زود دارد اما سوخت و سوز ندارد. دقت کنید، بچه نباید متوجه صحبت مادر با مدرسه شود. بچه در هماهنگی و همکاری می آموزد که مادر من مادر من است و درس من مرتبط با مدرسه و معلم من است.



اگر تکلیف معنا دار باشد یعنی بچه متوجه شود که این تکلیف چرا به او داده شده و برایش جذاب باشد، بهتر است تا اینکه معلم تشخیص داده که تو باید این کار را انجام دهی

در طول روز انجام دهد یک چک لیست تهیه کنیم. همان طور که برنامه هفتگی را به دیوار میزنیم این چک لیست را هم به دیوار اتاق بزنیم و به او بگویم از زمانی که به خانه میرسد چه فعالیتهایی را باید انجام دهد برای مثال انجام دادن تکلیف، خوردن میان وعده، تلویزیون دیدن، ... این تکلیف را مشخص میکنیم و زمان آن را تعیین میکنیم. ما به کودک نمیگوییم تکلیف را انجام بده، بلکه فقط به او یادآوری میکنیم که به لیست نگاه کن و ببین طبق برنامه چه کاری را باید انجام دهی؟ آیا داری طبق برنامه پیش میروی؟ میتوان این چک لیست را هم جذاب کرد. برای مثال زیر هر برنامه ای چند دایره بکشیم و به کودک بگویم بر مبنای اینکه چقدر طبق برنامه پیش رفته دایره ها را رنگ کند. یا اینکه صورت خندان، خسته یا ناراحت بکشد. ما به عنوان تسهیلگر فقط برنامه ریزی را به او بیاموزیم. اصلا نباید کل زمانی که در حال انجام تکلیف است را در کنار او بنشینیم. در این صورت در پایه های بالاتر با مشکل مواجه می شود. تمرکز چیزی است که از بدو تولد ایجاد می شود. وقتی بچه من هنوز نوزاد است، با خودش بازی میکند، عروسکش را زیر و رو می کند و به هر شکلی تمرکزش را بهم بریزیم، این بچه وقتی بزرگتر هم می شود تمرکزش پایین است. کمی دیگر که بچه بزرگتر می شود، برای مثال در حال خانه سازی است، کنارش میرویم و تمرکزش را به هم میریزیم، وارد گفتگو با او میشویم، این کار باعث برهم ریختن تمرکز است. علاوه بر این استفاده زیاد از گوشی، تبلت و تلویزیون تمرکز را پایین می آورد و خیلی مهم است که در موقعیت های مختلف تمرکز بچه را به درستی شکل دهیم که آن زمان که میخواهد تکلیف را انجام دهد تمرکز کافی را داشته باشد و مهارت تمرکز به خوبی کسب کرده باشد. تمرکز چیزی نیست که اگر من ندارم برای من دست یافتنی نباشد، بلکه یک سری تمرینها است که با انجام آن میتوانیم تمرکزمان را بالا ببریم. در هر سنی میتوان آن را با تمرین بدست آورد. حتما برای ما در سنین بالا پیش آمده که با داده های زیادی که وارد ذهن مان شده تمرکزمان پایین آمده باشد. در این گونه مواقع میتوان با تمرین هایی مانند ذهن آگاهی و ریلکسیشن و حتی محدود کردن ورودیهایمان به بالا بردن تمرکزمان کمک کنیم. روحیه بچه ها بسیار انعطاف پذیرتر و نرم تر از ما بزرگترها است. اگر میبینید فرزند ۷ یا ۸ ساله شما تمرکز ندارد، نا امید نشوید، شما میتوانید به راحتی با تمرینهای راحتی تمرکز او را بالا ببرید. باید به

تکلیف کلمه ای است که با شروع سال تحصیلی زیاد شنیده می شود و چه والد باشی و چه دانش آموز ممکن است با شنیدن آن موجی از عصبانیت و یا رضایت در ذهن شما تداعی شود. حال باید دید به راستی مسئولیت تکلیف بر عهده کیست و والدین تا چه اندازه باید در این زمینه همکاری کنند؟ به گزارش ایرنا زندگی، تکلیف شباهت به خاک حاصلخیز دارد، زمینی که باعث رشد تحصیلی دانش آموزان می شود. مانند زمین حاصلخیز که مواد مغذی ضروری را برای رشد گیاهان فراهم می کند، تکلیف درسی نیز فرصت هایی فراتر از یادگیری در کلاس را ارائه می دهند. علاوه بر این، انجام تکلیف به عنوان پلی بین مدرسه و خانه عمل می کند و جامعه و والدین را درگیر می کند. برای اینکه بدانیم باید میزان مشارکت والدین به چه میزان باشد نظر مریم یمین روانشناس آموزشی را جویا شدیم.

حسن کفایت و توانمندی فراتر از نوشتن تکلیف

مریم یمین ایجاد احساس کفایت و توانمندی در دانش آموز را مهمتر از خود نوشتن تکلیف دانست و گفت: خیلی وقتها ممکن است کودک تکلیف را بنویسد اما احساس کند که من ناتوانم و یا برعکس، آن را ننویسد اما احساس کند که من توانمندم. باوری که بچه در کلاس اول نسبت به خود پیدا میکند تا پایان دوران تحصیل با او همراه است و تغییر آن انرژی زیادی از دانش آموز می برد. وی ادامه داد: بهتر است مدارس در ابتدا تکلیف سنگینی به بچه ها ندهند و اگر بدهند من مادر این توجه را داشته باشم که با توجه به شناختی که از فرزندم دارم، انجام تکلیف را برای فرزندم خوشایندسازی کنم. برای مثال اگر معلم گفته یک صفحه تکلیف انجام دهید از او بخواهم بعد نوشتن بخشی از تکلیف کمی بازی کند، میان وعده ای بخورد، بعد بقیه تکلیف را انجام بدهد. نه اینکه از او بخواهم همه تکلیف را همزمان انجام دهد. ایجاد حس خستگی باعث می شود بچه از درس زده شده و برایش ناخوشایند شود اما اگر بار اول برایش لذت بخش باشد دفعات بعد هم با ذوق به سرانجام درس و تکلیف می رود. والدین نباید مسئولیت تکلیف بچه را بر عهده بگیرند. مدام به او تذکر ندهند که تکلیف را نوشتی یا نه. این کار باعث می شود هم نسبت به والدین حس بلای پیدا کند و هم نسبت به نوشتن تکلیفش. والدین باید به عنوان یک تسهیلگر عمل کنند. از همان روز اول به فرزندمان کمک کنیم از کارهایی که باید